

تحلیل جرم براندازی در حقوق کیفری ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۳/۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۵/۶/۲۵

۱۱۳

فقه و حقوق / سال سوم / شماره ۱۰ / پاییز ۱۳۸۵

حسین آقابابایی*

چکیده

در مقررات کیفری ایران از جمله در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات نیروهای مسلح، قیام مسلحانه و افعالی مانند طرح ریزی، براندازی و تهیه سلاح و مهمات و قبول نامزدی مشاغل حساس حکومت کودتا یا تشکیل دسته و گروه جهت براندازی حکومت، رفتارهای مجرمانه‌ای هستند که در صورت احراز سایر شرایط قانونی به عنوان جرم براندازی قابل تعقیب‌اند. این مقاله در صدد تحلیل ارکان جرم براندازی در حقوق کیفری ایران است.

واژگان کلیدی: براندازی، قیام مسلحانه، کودتا، محاربه، حقوق کیفری.

* استادیار دانشگاه گیلان (hbabai2002@yahoo.com).

جرم‌انگاری را می‌توان فرایندی نامید که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزشهای اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. بر این اساس جرم‌انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیرساختی همچون فلسفه سیاسی، فلسفه حقوق و علوم اجتماعی است. علوم زیرساختی که ضرورت وجود دولت و حکومت را جهت سامان بخشی جوامع انسانی توجیه کرده‌اند، برای نهاد دولت حق جرم‌انگاری و تعیین کیفر برای نقض ارزشهای اساسی جامعه را قائل شده‌اند. اساسی‌ترین ارزش هر حکومت، حفظ موجودیت و اقتدار خویش بوده و سخت‌ترین پاسخها متوجه متعرضان به اساس حکومت و موجودیت دولت بوده است. مطالعه تاریخی نوع تعامل حاکمان با مخالفان سیاسی و افرادی که قصد سوء به تخت و تاج و حق سروری آنها داشته‌اند، نشانه اختیارات بی‌حد و حصر حاکمان در توصیف افعال یا ترک افعال به عنوان خیانت، توطئه، کودتا یا براندازی است. علت این امر را می‌توان در عدم مشروعیت و مقبولیت حکومتها از سوی شهروندان، عدم مشارکت شهروندان در حفظ ساختار حکومتی و عدم پیش‌بینی سازوکاری جهت تغییر مسالمت‌آمیز قدرت دانست. لذا حاکمان مطلقه و سلاطین، پریشان خاطر از خطر سرنگونی و براندازی، نمی‌توانستند به هیچ کس حتی خانواده و بستگان خویش اعتماد داشته باشند و کمترین سوء ظن یا احتمال توطئه برای اعمال واکنش شدید سلطان یا حاکم کافی بود و معیار و ملاک در تشخیص نوع اتهام و کیفیت پاسخ، تشخیص حاکم محسوب می‌شد.

اصل قانونی بودن جرم و مجازات ابزاری برای انسانی کردن حقوق جزا و کاهش اختیارات حاکمان در نوع و کیفیت تعقیب و مجازات است. در حقوق کیفری برای اینکه فعل یا ترک فعلی جرم به حساب آید، باید قانونگذار این رفتار را در نص معتبری جرم شناخته و برای ارتکاب آن ضمانت اجرای کیفری مقرر کرده باشد (رکن قانونی)، فعل یا ترک فعل مجرمانه انجام شده، یا حداقل شروع به اجرای آن شده باشد (رکن مادی) و رفتار مجرمانه با علم و آگاهی و قصد انجام شده باشد (رکن معنوی). در عین حال هر جرم شرایط و اوضاع و احوال مخصوص به خود دارد که وجود و احراز آنها برای تحقق

جرم ضروری است. در این نوشتار ارکان تشکیل دهنده جرم براندازی در حقوق کیفری ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

گفتار نخست: رکن قانونی

با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات که از اصول مترقی و پیشرفته حقوق جزاست، جرم، فعل یا ترک فعلی است که توسط قانونگذار در یک نص معتبر تعیین و به اطلاع اتباع و شهروندان و کلیه سکنة کشور رسیده باشد.

از نظر مقررات کیفری فعلی ایران برابر ماده ۱۸۶ ق.م.ا. قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی از طرف گروهها و جمعتهای متشکل جرم بوده و مجازات محارب را دارد. بر اساس ماده ۱۸۷ ق.م.ا. هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که از طریق کمکهای مالی مؤثر و یا کمکهای تسلیحاتی به طرح براندازی کمک کنند محارب هستند. همچنین برابر ماده ۱۸۸ ق.م.ا. هرکس در طرح براندازی نامزد یکی از مشاغل حساس حکومت کودتا شود، عمل او جرم و مشمول مجازات محارب است. در این مواد قانونگذار «قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی» و اقدامات مقدماتی آن یعنی «طرح ریزی براندازی» و «نامزد شدن جهت حکومت کودتای طراحی شده» را جرم دانسته است. علاوه بر این، قانونگذار ایران در ماده ۱۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، ضمن بیان منظور خود از براندازی حکومت، طراحی یا اقدام به براندازی از طریق تشکیل جمعیت و اداره آن توسط نظامیان را جرم تلقی کرده و مجازات آن را حد محاربه دانسته است. در این ماده آمده است:

هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده و به این منظور جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر داشته باشد محارب محسوب می شود.

همچنین طبق ماده ۲۲ قانون مذکور نیز «هر نظامی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه نماید، محارب محسوب می شود».

گفتار دوم: رکن مادی

منظور از رکن مادی در جرم براندازی، رفتار مجرمانه‌ای است که از سوی قانونگذار مورد نهي قرار گرفته است. با مطالعه سیاست کیفری و قوانین و مقررات ایران و سایر

نظامهای حقوقی می‌توان گفت به دلیل حساسیتی که نظامهای حکومتی به حفظ موجودیت خویش دارند و نظر به اینکه به فعلیت رسیدن حرکت‌های براندازی، در عمل امکان تعقیب و مجازات را از حاکمان سابق سلب می‌کند (چرا که در صورت موفقیت کودتاگران یا گروهها و اشخاص برانداز، حکومت و ابزار سرکوب در اختیار حاکمان جدید قرار خواهد گرفت)، سیاست کیفری نظامهای حقوقی در جهت جرم‌انگاری اندیشه براندازی و مقابله با اقدامات مقدماتی جهت ساقط کردن نظام مستقر قرار گرفته است.

البته این سیاست مانع آن نیست که اقدامات مسلحانه به قصد براندازی، و یا کودتاهای ناموفق که به فعلیت رساندن طرح و اندیشه براندازی است، از طرف نظام مستقر قابل تعقیب و مجازات باشد. با این مقدمه رکن مادی جرم براندازی در حقوق ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. قیام مسلحانه

ابتدایی‌ترین و قدیمی‌ترین شکل براندازی، اقدام مسلحانه و مقابله مستقیم با نظام حاکم است. استفاده از این شیوه در مواردی است که مخالفان سیاسی حکومت، روشهای مسالمت‌آمیز جهت ایجاد تغییر در ساختار حکومت و یا تغییر شخص حاکم را کارساز نمی‌بینند و یا به دلیل دشواری فعالیتهای سیاسی و طبیعت خاص آن، که تحمل سختی و ثبات قدم را می‌طلبد، راه سهل الوصول اقدام مسلحانه و استفاده از زور را بر می‌گزینند. این روش براندازی معمولاً از طرف احزاب، جمعیتها و یا گروههای مخالف حکومت مرکزی (اپوزیسیون)* طرح‌ریزی و اجرا می‌گردد و خصیصه بارز آن این است که ماهیت سیاسی دارد و شیوع و فراوانی آن هم به نوع نظام سیاسی و ساختار نظام حکومتی بستگی دارد.

توضیح اینکه در نظامهای سیاسی دموکراتیک، اپوزیسیون احزاب و گروههای سیاسی سازمان یافته‌ای هستند که مخالف حکومت مستقرند و تحت حمایت قانون به فعالیت سیاسی می‌پردازند و در صورت کسب آرای اکثریت مردم در انتخابات آزاد، قدرت سیاسی و اداره امور کشور را به دست می‌گیرند. در این نظامهای سیاسی مخالفت ساختاری یا انقلابی و توسل به اقدامات مسلحانه جهت تأثیرگذاری سیاسی رو به زوال بوده و مخالفان

* Opposition.

ساختاری و انقلابی مانند احزاب سوسیالیست و کمونیست در کشورهای غربی، با توجه به گسترش امکان مشارکت مسالمت‌آمیز در حیات سیاسی، در طی قرن بیستم به تدریج به اپوزیسیون اصلاح طلب تبدیل شده‌اند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۴۹).

بر عکس در حکومت‌های توتالیتر و دیکتاتوری، اپوزیسیون شامل احزاب و گروه‌های سیاسی است که مخالف نیروهای سیاسی حاکم یا سیاست‌های جاری و یا حتی کل نظام سیاسی‌اند و بدون برخورداری از حمایت کامل قانون از حکومت انتقاد می‌کنند و بدون اینکه امکان به دست آوردن قدرت از طریق مسالمت‌آمیز را داشته باشند، به مقابله با دولت می‌پردازند. در این نظام‌های سیاسی، مخالفت ساختاری و انقلابی با کل نظام و توسل به شیوه‌های فعالیت زیر زمینی، شورش و مقاومت مسلحانه شیوع دارد و به دلیل ساختار سیاسی و عدم تحمل هرگونه مخالفت با روشها و سیاستها از طرف دولت، گاهی اوقات مخالفت‌های موردی و ابراز مخالفت با یک روش و سیاست خاص، به مخالفت کلی و مقاومت مسلحانه منجر می‌شود.

با وجود این اختلاف، حکومت‌های دموکراسی و توتالیتر یا اقتدارگرا در این موضوع اشتراک رویه دارند که توسل به اقدامات مسلحانه جهت نیل به اهداف سیاسی را تحمل نمی‌کنند و به عنوان جرم علیه امنیت داخلی کشور به مقابله و سرکوب مخالفان سیاسی که روش قهرآمیز و مسلحانه را برگزیده‌اند مبادرت می‌نمایند.

در حقوق ایران در ماده ۱۸۶ ق.م.ا. قیام مسلحانه از طرف گروهها یا جمعیت‌های متشکل در برابر حکومت اسلامی جرم‌انگاری شده و تمام اعضا و هواداران این گروهها که موضع آن گروه یا جمعیت را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند، محارب دانسته شده‌اند، هرچند در عملیات نظامی شرکت نداشته باشند. علاوه بر این، اگر گروهها و اشخاص، جبهه متحدی هم تشکیل دهند، همین حکم را خواهند داشت.

نکته‌ای که در این بحث اشاره به آن ضرورت دارد، سیاست کیفری قانونگذار ایران و شیوه مقابله با قیام مسلحانه علیه حکومت است. با عنایت به ماده ۱۸۶ ق.م.ا. که رکن قانونی این جرم است و با توجه به اینکه این ماده در کتاب حدود و ذیل حد محاربه مطرح شده است، علی‌الاصول باید مبنا و منشأ وضع این ماده موازین فقهی باشد. از نظر فقهی،

قیام علیه امام عادل و یا حاکم کشور اسلامی عنوان «بغی» دارد و در توصیف باغی یا خروج کننده علیه حکومت اسلامی گفته‌اند که:

باغیان در اصطلاح شرع کسانی هستند که علیه دولت اسلامی که به صورت صحیح برپا شده خروج کنند، خواه رئیس دولت اسلامی پیامبر ﷺ و امام معصوم علیه السلام باشد و یا نایب خاص یا عام و فقیه جامع شرایط باشد و مراد از خروج، سلاح برداشتن و جنگیدن است. اما در صورتی که سلاح برندارند، مانند موردی که تظاهرات به پا کنند یا حزب و گروه تشکیل دهند، احتمال عدم صدق خروج اولی است (حسینی شیرازی، ۱۹۹۸: ۱۳۱).

همچنین از دیدگاه فقیهان اهل سنت نیز باغیان کسانی هستند که بر امام خروج کنند، در حالی که دارای تأویل مشروع و دارای شوکت و سازمان هستند (عوده، ۱۹۹۴: ۱۰۱). بنابراین بغی تعریف خاص خود را دارد و ارکان تشکیل دهنده آن با ارکان تشکیل دهنده حد محاربه کاملاً متفاوت است و تفاوت‌های ذیل را می‌توان میان بغی و حد محاربه بیان کرد:

اولاً طبق تعریف فقیهان و نص ماده ۱۸۳ ق.م.ا. محاربه عبارت است از برکشیدن سلاح به منظور ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و سلب آزادی و امنیت آنان، در حالی که بغی عبارت است از قیام مسلحانه عده‌ای از مسلمانان در برابر حاکم به منظور برانداختن حکومت اسلامی و یا عزل حاکم. به عبارت دیگر، در حد محاربه قصد مرتکب به هم زدن امنیت شهروندان کشور اسلامی است، اما در بغی، هدف مرتکب سرنگونی دولت اسلامی است و یا صرفاً قصد عزل و برکناری حاکم اسلامی در میان است.

ثانیاً طبق نص ماده ۱۸۳ ق.م.ا. محاربه ممکن است به صورت فردی یا جمعی باشد. اما طبق تعریف فقهی، بغی خروج یک گروه یا جمعیت متشکل و یا به تعبیر فقهی «فئه باغیه» است و وقوع بغی با اعمال و رفتار یک شخص، هر چند در کلمات بعضی فقیهان مطرح شده، فرض نادری است.

ثالثاً به تصریح ماده ۱۹۰ ق.م.ا. و براساس موازین فقهی، برای محارب چهار نوع کیفر پیش‌بینی شده، اما در متون فقهی برای باغی حد خاصی پیش‌بینی نشده، بلکه دستور مقابله با آنها داده شده تا اینکه کشته شوند و یا تسلیم حکومت اسلامی گردند.

رابعاً از نظر فقهی باغیان مجرمان سیاسی هستند، چون دارای «تأویل» و شبهه‌اند، یعنی به دلیل شبهه‌ای که برای ایشان ایجاد شده، در برابر حاکم اسلامی دست به سلاح برده‌اند. وظیفه حاکم اسلامی در مرحله اول رفع و دفع شبهه است و حق ندارد در مرحله اول و

بدون پاسخگویی به شبهات اقدام به سرکوب باغیان نماید. چنان‌که از حضرت علی علیه السلام در قبال مخالفتها و اقدامات ایدایی خوارج نقل شده است که فرمودند: مانع حضور شما در مساجد نمی‌شوم تا به عبادت خویش بپردازید، در برابر شما شروع به جنگ نمی‌کنم و مانع حقوق شما از بیت المال نمی‌شوم، مادام که علیه ما اقدام عملی نکنید (طوسی، بی‌تا: ۲۷۰).

با توجه به این نکات و تفاوت‌های اساسی میان محارب و باغی، قانونگذار در تصویب ماده ۱۸۶ ق.م.ا. با آوردن عبارات «گروه یا جمعیت متشکل»، «قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی» و «مادام که مرکزیت آن باقی است»، در حقیقت به اجزای رکن مادی بغی اشاره کرده، اما در تعیین مجازات و بیان عنوان کیفری، انجام رکن مادی «بغی» را مستوجب مجازات محارب دانسته است. بدین ترتیب تفاوت اساسی میان مجرمان عادی و سیاسی که از صدر اسلام مورد اهتمام بوده است، نادیده گرفته شده و عملاً مجرمان سیاسی از ارفاقات و امتیازات قانونی محروم و به عنوان افرادی که علیه امنیت جامعه و مردم دست به اسلحه برده‌اند، دارای مجازات حدی محاربه و مشمول ماده ۱۹۰ ق.م.ا. گردیده‌اند.

به عبارت دیگر، قانونگذار در مواردی کیفرهای شرعی را که دارای تعریف و شرایط خاصی هستند، به اعمالی که خارج از تعریف فقهی است تسری داده است. یکی از عناوینی که به صورت وسیع و گسترده توسط قانونگذار ایران استعمال شده، عنوان «محاربه و افساد فی الارض» است، در حالی که برخی از جرائمی که با مجازات محارب پاسخ داده می‌شوند، از نظر عناصر تشکیل دهنده و شرایط و اوضاع و احوال، ارتباطی با جرم محاربه ندارند.

به هر حال به نظر می‌رسد قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی از طرف گروهها و یا جمعیت‌های متشکل از نظر فقهی محاربه محسوب نمی‌شود، زیرا طبق تعبیر فقیهان و نص ماده ۱۸۳ ق.م.ا. رکن روانی جرم محاربه، قصد ایجاد رعب، هراس، سلب آزادی و امنیت مردم است و کسی که به صورت مسلحانه با حاکم جهت برکناری یا سرنگونی او می‌جنگد، اولاً و بالذات قصد سلب امنیت مردم را ندارد. سیاست کیفری اسلام و روش پیشوایان دین از جمله حضرت علی علیه السلام پاسخ خاصی به این جرم می‌دهد که اگر نظر قانونگذار انطباق قوانین موضوعه با موازین شرعی است که حکم اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین است، باید قانون بر اساس سیاست کیفری اسلام اصلاح شود و نمی‌توان بحث‌های گسترده فقهی و تاریخی در خصوص بغی را به کناری نهاد

و با اجتهاد در مقابل نص و تفسیر موسع جرم محاربه، مصادیق بغی را تحت شمول محاربه دانست که یکی از آثار زیانبار آن عدم قبول وجود جرم سیاسی در اسلام و نفی سیاست کیفری اسلام در برخورد با مجرمان سیاسی است.

ب. طرح براندازی

برابر صدر ماده ۱۸۷ ق.م.ا. ایران «هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند... محارب و مفسد فی الارض است». رفتاری که در این ماده جرم تلقی شده، ریختن طرح براندازی و تهیه سلاح و مواد منفجره به منظور براندازی حکومت اسلامی است.

از نظر تحلیل حقوقی، ریختن طرح و تهیه ابزار و وسایل مورد نیاز جهت عملیاتی کردن طرح، همگی به عنوان اعمال مقدماتی یا تمهیدی جهت انجام جرم محسوب می‌شوند و می‌توانیم تعبیر کنیم که طراحی یک جرم و تهیه وسایل، در حد شروع به «شروع به جرم» می‌باشد که علی‌الاصول این مقدار رفتار در جرائم عادی قابل تعقیب و رسیدگی نیست و کسی را صرفاً به دلیل تفکر مجرمانه و طراحی آن و تهیه مقدمات، مرتکب آن جرم نمی‌دانند. ولی همان‌گونه که اشاره شد، به دلیل حساسیت حکومتها در مورد جرائم علیه امنیت و اینکه اصولاً تعقیب جرم براندازی در صورت عدم وقوع آن امکان‌پذیر است و الا در صورت وقوع و تحقق خارجی براندازی، تعقیب براندازان امکان‌پذیر نخواهد بود، قانونگذار ایران به دنبال ماده ۱۸۶ که اقدام مسلحانه علیه حکومت را جرم می‌داند، در ماده ۱۸۷ طرح براندازی و تهیه سلاح و مواد منفجره بدین منظور را جرم‌انگاری کرده است.

بحثی که در اینجا اهمیت دارد و در مباحث حقوقی و تألیفات موجود جای آن خالی است این است که:

اولاً مقصود از طرح براندازی چیست و آیا قانونگذار صرفاً به طرحهای براندازی با توسل به سلاح و مواد منفجره و به تعبیر دیگر طرح کودتای نظامی اشاره دارد و یا هرگونه طرح براندازی حتی به صورت مسالمت‌آمیز هم مورد توجه قانونگذار است؟

ثانیاً چه مقدار رفتار مجرمانه و یا تظاهر بیرونی* برای تحقق جرم موضوع این ماده ضرورت دارد و ارتباط این ماده با ماده ۶۱۰ ق.م.ا. که بحث تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت را مطرح می‌کند چیست؟

برای پاسخ به این سؤالات و روشن شدن جوانب این بحث، به بررسی تطبیقی این جرم در حقوق مصر و دیدگاه حقوقدانان این کشور می‌پردازیم. قانونگذار مصر در ماده ۸۷ قانون مجازات اصلاحی ۱۹۵۷ می‌گوید:

هر کس برای واژگونی یا تغییر قانون اساسی، نظام جمهوری یا شکل حکومت با توسل به زور تلاش کند، به مجازات حبس با اعمال شاقه به صورت ابدی یا موقت محکوم می‌شود (صبحی العطار، بی تا: ۱۴۳).

قانونگذار مصر کلمه «حاول» را استعمال کرده است که از نظر لغوی به معنای درصدد برآمدن، تلاش کردن، سعی کردن و طرح‌ریزی کردن آمده و «محاولة الاطاحة» به معنای تلاش برای براندازی و «محاولة الاغتيال» به معنای طرح ترور ترجمه شده است (میرزایی، ۱۳۷۷). از نظر اصطلاحی از دیدگاه بعضی حقوقدانان مصری با توجه به مراحل سه‌گانه تکوین عملیات مجرمانه، یعنی اعمال مقدماتی، شروع به جرم و جرم تام، «محاولة» مرحله خاصی است که باید به این مراحل سه‌گانه اضافه شود و مکان طبیعی آن بین اعمال مقدماتی و شروع به جرم است. بنابراین محاوله شروع در شروع به جرم است (همان: ۱۴۳). اما از نظر بعضی دیگر از حقوقدانان مصری، وقتی قانونگذار کلمه محاوله را استعمال می‌کند، قصد او جرم اعلام کردن شروع به جرم است و می‌خواهد شروع به جرم را همانند جرم تام مجازات کند و نیازی نیست قائل شویم که محاوله بین اعمال مقدماتی و شروع به جرم است. این گروه از حقوقدانان مصری برای تأیید نظر خود از قانون مجازات فرانسه مثال می‌زنند که در این بحث تعبیر به کلمه «lactentat» به معنای «اعتداء» شده و گارسون - حقوقدان فرانسوی - این تعبیر را در حد شروع به جرم دانسته است (همان: ۱۴۵).

علاوه بر اینها قانونگذار مصر به دنبال کلمه «حاول» کلمه «قوه» را آورده است. یعنی هرکس با توسل به زور و قدرت در جهت براندازی یا تغییر نظام جمهوری یا قانون اساسی و شکل حکومت تلاش کند، مجرم و قابل تعقیب است. بنابراین در این جرم تصور «شروع

* Overt act.

به جرم» ممکن نیست، زیرا یا تلاش برای براندازی با توسل به زور، محقق شده که جرم موضوع ماده ۸۷ تحقق یافته و یا تلاش و طراحی براندازی با توسل به زور محقق نشده که جرم تحقق نیافته است.

با این توضیحات در پاسخ سؤال اول مطرح شده در فوق می‌توان گفت: با توجه به اینکه طبق ماده ۱۸۷ ق.م.ا. ریختن طرح براندازی و تهیه سلاح و مواد منفجره برای براندازی جرم تلقی شده است، به نظر می‌رسد قانونگذار صرفاً در صدد جرم‌انگاری طرح‌های براندازی مسلحانه بوده است و از نظر ظاهر این ماده، احزاب، گروه‌ها یا اشخاصی که از طرق مسالمت‌آمیز جهت تغییر ساختار حکومت و ارائه طرح‌هایی جهت تغییر قانون اساسی اقدام می‌کنند، ولی وارد برخورد مسلحانه نشده و به تهیه سلاح و مواد منفجره اقدامی نکرده‌اند، مشمول حکم این ماده نیستند.

بنابراین می‌توان گفت رکن مادی جرم موضوع ماده ۱۸۷ مرکب از دو جزء است که اولی ریختن طرح براندازی است که می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد و جزء دوم جمع‌آوری و تدارک سلاح و مواد منفجره است.

نکته دیگری که توجه بدان ضرورت دارد این است که از نظر ماده ۱۸۷ ق.م.ا. مرتکب جرم می‌تواند فرد یا گروه باشد. بنابراین از نظر قانونگذار یک فرد هم می‌تواند طرح براندازی بریزد و وسایل و تجهیزات آن را تهیه کند، ولی مسلماً و بنا به قضاوت عرف یک فرد نمی‌تواند بدون داشتن همدست و همکار حکومتی را براندازد. لذا اگر به امکان وقوع و عملی شدن طرح براندازی توجه داشته باشیم، احتمال براندازی حکومت توسط یک نفر بسیار نادر است. بنابراین برای اینکه امکان ارتکاب جرم موضوع ماده ۱۸۷ توسط یک نفر هم وجود داشته باشد، باید بگوییم قانونگذار به احتمال وقوع براندازی توجهی نداشته و همین که کسی طرح براندازی را تهیه و تدوین نماید و برای نیل به مقصود سلاح و اسباب لازم را تهیه کند، جرم محقق شده است و به تعبیر حقوقدانان مصری، جرم تلاش و طراحی براندازی از «جرائم خطر» است و مقصود از خطر «ضرر محتمل» است، یعنی ضرری که مصلحت مورد حمایت قانونگذار را تهدید می‌کند و همین که خطر وجود داشته باشد، ضمانت اجرای کیفی برای حفظ مصلحت وجود دارد (عالیه، ۱۹۹۹: ۵۷).

از طرف دیگر اگر فرد یا گروهی که طرح براندازی را تدوین و تهیه کرده به جای تهیه

سلاح و مواد منفجره، اقدام به تبانی با عناصری در نیروهای مسلح و فرماندهان پایگاههای هوایی و زمینی و... نماید و مشارکت و همکاری یگانهای تحت امر آنها و تسلیحات نظامی و انبارهای مهمات در اختیار آنها را به عنوان بازوی اجرایی طرح براندازی در نظر بگیرد، به نظر می‌رسد این اقدامات هم در حکم تهیه سلاح و مواد منفجره است. لذا در بند ۲۱ ماده ۱۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، در اختیار گذاشتن امکانات نظامی و یگانهای تحت امر و تبانی با دشمن به قصد براندازی در حکم محاربه دانسته شده است.

با این تفسیر می‌توان گفت مقصود قانونگذار از عبارت «و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند» این است که مرتکب جهت اجرای طرح براندازی به تدارک امکانات تسلیحاتی و نظامی اقدام نموده باشد نه اینکه به صورت فیزیکی انباری تهیه کرده و در آن انبار، سلاح و مواد منفجره جهت اجرای طرح براندازی ذخیره نموده باشد (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۶).

در همین خصوص و در پاسخ سؤال دوم مطرح شده در صدر این بحث، مبنی بر ارتباط ماده ۱۸۷ ق.م.ا. با ماده ۶۱۰ ق.م.ا. باید گفت: چنانچه اشخاص و گروههایی طرح براندازی نظام جمهوری اسلامی را از طریق مسلحانه و با توسل به سلاح و مهمات تهیه و تدوین کنند، ولی هنوز به تهیه سلاح و ملزومات اقدام ننموده باشند و یا اجتماع آنها جهت تهیه طرح براندازی از طریق توسل به سلاح و مهمات باشد و در این مرحله دستگیر شوند، به اتهام آنها تحت عنوان تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی کشور به استناد ماده ۶۱۰ ق.م.ا. رسیدگی خواهد شد.

ج. حمایت مالی و تسلیحاتی از طرح براندازی

بر اساس ذیل ماده ۱۸۷ ق.م.ا. کسانی که با آگاهی و اختیار، امکانات مالی مؤثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار افراد یا گروههایی که طرح براندازی دارند بگذارند، محارب و مفسد فی الارض می‌باشند. از نظر حقوقی افرادی که در عملیات اجرایی مربوط به جرم دخالت مستقیم ندارند، ولی به صورت غیر مستقیم به وقوع جرم کمک می‌کنند، معاون در جرم تلقی می‌شوند که سیاست کیفری کشورها در خصوص نحوه پاسخ به معاونان در جرم متفاوت است.

در نظام حقوقی ایران اصل بر مجرمیت عاریه‌ای است، اما در مواردی معاونت در جرم به صورت جرم مستقل مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است و در ماده‌ی مورد بحث، معاونت در طرح براندازی از طریق کمک مالی مؤثر و یا در اختیار گذاشتن وسایل و اسباب کار و سلاح، در حکم مباشرت است و صرف نظر از مجازات مباشرین در طرح براندازی، معاون در این جرم، قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.

اعمال مجازات مباشرین در طرح‌ریزی براندازی برای کمک کنندگان، دارای قیودی است که باید به صورت مضیق و به نفع متهم تفسیر شود. بر این اساس، امکانات مالی اهدا شده به گروه‌های برانداز باید مؤثر باشد که علی القاعده تشخیص آن بر عهده دادگاه است و باید به صورت فردی و نسبت به اشخاص محاسبه گردد و نه تأثیر مجموع کمک‌های مالی. به عنوان مثال اگر گروه‌های معارض و مخالفان سیاسی حکومت که طرح براندازی هم داشته‌اند، شماره حسابی را جهت کمک به خود اعلام کرده‌اند و اشخاصی - در فرض عدم اطلاع از کمک سایر افراد - بدون آگاهی از تأثیر کمک آنها و جوهری به حساب فوق واریز نمایند، چه بسا ممکن است مجموع مبالغ واریز شده، کمک مالی مؤثر به حساب آید، ولی به نظر می‌رسد با توجه به قید «آگاهی» در این قسمت ماده، مؤثر بودن کمکها باید نسبت به هر فرد محاسبه شود و نه مجموع کمکها. در خصوص وسایل و اسباب کار و سلاح، هر چند در ظاهر ماده به صورت مطلق گفته شده و «مؤثر بودن» آنها قید نشده است، ولی به نظر می‌رسد می‌توان از سیاق ماده استفاده کرد که مقصود قانونگذار وسایل و اسباب کار و سلاح مؤثر است و نه مساعدتهای بسیار جزئی که بود و نبود آنها در موفقیت طرح براندازی تأثیرگذار نیست.

نکته دیگری که اشاره به آن ضرورت دارد، این است که ظاهر عبارت قانون مواردی را می‌گوید که طرح براندازی تدوین شده و بعد افرادی با علم و اطلاع، نسبت به کمک و مساعدت به آن اقدام نموده‌اند. اما اگر کسی امکانات مالی مؤثر و یا اسباب و سلاح تهیه کند و به افرادی پیشنهاد طرح‌ریزی براندازی بدهد، مشمول این ماده نیست (زراعت، ۱۳۸۰: ۱۳۶)؛ ولی با توجه به اینکه جرم ذیل ماده ۱۸۷ ق.م.ا. صرفاً به عنوان معاونت در جرم مباشرین در طرح‌ریزی براندازی جرم‌انگاری نشده بلکه جرم مستقلی است، به نظر می‌رسد تهیه و تحویل امکانات مالی یا وسایل و سلاح و مهمات، چه قبل و چه بعد از تهیه طرح براندازی

باشد، در هر حال فرد یا افرادی که مقدمات مهم کار یعنی امکانات مادی و لجستیکی براندازی را تهیه کرده‌اند، به عنوان مباشر مستقل و تحت عنوان «کمک مؤثر به طرح براندازی» قابل تعقیب خواهند بود.

البته قانونگذار صرفاً به در اختیار گذاشتن امکانات مالی و وسایل و اسباب کار و سلاح اشاره کرده است که در نتیجه به فعالیتهای سیاسی و یا مطبوعاتی که ممکن است زمینه‌های طرح براندازی را فراهم نموده باشد قابل تسری نیست. علاوه بر آن، رفتار مجرمانه در این جرم به صورت «فعل مثبت» است. بنابراین عدم استفاده از امکانات و یا وسایل از طرف کسانی که می‌توانسته‌اند با به‌کارگیری آنها به عنوان «ضد کودتا» عمل کنند یا ترک وظایف قانونی افراد یا دستگاههایی که امکانات در اختیار آنها بوده است، مشمول این ماده نخواهد شد.

به هر حال سیاست کیفری قانونگذار ایران در این جرم، از نظریه بالا بردن خطر سرمایه‌گذاری در اقدام علیه امنیت کشور، ولو به صورت غیر مستقیم، پیروی می‌کند و باید این ماده در این زمینه تحلیل و توجیه شود، هرچند اشکالات و ایرادات ساختاری مطرح شده در قبل از جمله محاربه دانستن این رفتارها به قوت خود باقی است.

از نظر حقوق تطبیقی، در حقوق انگلستان بر اساس تفسیرهای قضایی و پرونده‌هایی که در دادگاههای این کشور مورد رسیدگی قرار گرفته است، این قبیل اعمال از مصادیق کمک به دشمن پادشاه* یا برافروختن جنگ علیه شاه** محسوب می‌شود و مجازات خیانت خواهد داشت (Card, Cross and Jones, 1998: 41). به عبارت دیگر در حقوق انگلستان هم این قبیل رفتارها نه به عنوان معاونت در جرم، بلکه به عنوان مصادیق جرم خیانت قابل تعقیب است.

د. نامزد شدن در حکومت کودتا

بر اساس ماده ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی ایران:

هرکس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پستهای حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا به نحوی مؤثر باشد محارب و مفسد فی الارض است.

* Adhering to the kings enemies.

** Levying war against the king.

سیاست کیفری قانونگذار ایران در وضع ماده فوق نیز در نظر گرفتن مجازات مستقل برای کسانی است که علی‌رغم عدم مداخله آنها در طرح براندازی و یا اقدامات اجرایی براندازی، اعلام آمادگی آنها برای تصدی مشاغل کلیدی پس از تحقق براندازی حکومت، می‌تواند در موفقیت طرح براندازی و اقبال عمومی به کودتا مؤثر باشد.

بنابراین می‌توان گفت از نظر قانونگذار ایران، نامزد شدن یعنی اعلام آمادگی کتبی یا شفاهی برای به عهده گرفتن سمتهای حساس حکومت کودتا، در مواردی که به علت شخصیت و پایگاه اجتماعی شخص نامزد، درصد موفقیت کودتا افزایش می‌یابد، تشکیل دهنده رکن مادی این جرم است. پس عملی که از نظر ماهوی در صورت تحقق کودتا معاونت در جرم تلقی می‌گردد، به صورت مستقل جرم‌انگاری شده و صرف نظر از وقوع یا عدم وقوع کودتا و میزان موفقیت کودتاچیان در پیشبرد اهداف خود و اینکه شخص نامزد فرصت قرار گرفتن در سمت پیش‌بینی شده را بیابد، و یا کودتا در مراحل مقدماتی ناکام بماند، شخصی که خود را نامزد سمت حساس حکومت کودتا همانند ریاست جمهوری، نخست‌وزیری و... نموده است و اوضاع و احوال و میزان نفوذ و محبوبیت او در میان مردم حاکی از این است که نامزدی او می‌توانست در تحقق کودتا مؤثر باشد، به مجازات مباشرین در طرح براندازی یعنی مجازات محارب و مفسد فی الارض محکوم می‌گردد. بنابراین لازم نیست شخصی که جهت تصدی سمت حساس حکومت کودتا نامزد شده، جزء طراحان و مباشرین در براندازی باشد و در صورتی که در طرح براندازی هم مداخله داشته باشد، مرتکب تعدد جرم شده است. هر چند به علت طبیعت جرم و پیوستگی آن و مقررات خاص حدود که تا زمانی که حد اجر نشود، برای همه جرائم ارتكابی یک مجازات در نظر گرفته می‌شود (ماده ۱۷۸ و تبصره یک ماده ۲۰۱ ق.م.ا.) بیش از یک مجازات قابل اجرا نخواهد بود.

از ظاهر عبارت قانون استفاده می‌شود که نامزدی جهت تصدی منصب حساس حکومت کودتا جرم دانسته شده است، ولی مشخص نیست حکومت کودتا چه سازمان و مشخصاتی دارد و چه سمتهایی در آن وجود دارد. ولی با توجه به اینکه کودتاچیان معمولاً در بدو امر به قانون اساسی کشور اعلام وفاداری می‌نمایند و صرفاً برعهده گرفتن زمام حکومت را تعقیب می‌کنند، می‌توان گفت با توجه به نوع نظام حکومتی (جمهوری، پادشاهی و...) مناصب مهم و حساس تعریف می‌شوند.

به نظر می‌رسد مقصود قانونگذار از «حکومت کودتا» حکومتی است که در صورت وقوع کودتا قرار است زمام امور حکومت را ولو به صورت موقت به عهده بگیرد. بنابراین ماده ۱۸۸ ق.م.ا. در ادامه مواد قبل، سیاست کیفری بالا بردن خطر همکاری با براندازان را تعقیب می‌کند و ظاهراً نظر به مسئولیت کودتاچیان و درجه تأثیر منصب آنها ندارد. زیرا افرادی که مباشر در کودتا هستند، چه مؤثر باشند و چه پیاده نظام کودتا باشند، در هر حال به عنوان محارب قابل تعقیب دانسته شده‌اند.

نکته دیگری که از ذیل ماده استفاده می‌شود این است که علنی شدن قبول سمت حساس در حکومت کودتا قبل یا در حین انجام کودتا مؤثر در مقام نیست؛ زیرا چه بسا قبول نامزدی شخص موجهی در ایجاد انگیزه کودتاچیان و ثبات قدم آنها برای انجام کودتا بسیار مؤثر باشد هرچند علنی شدن قبول سمت و اعلام آن برای اطلاع مردم و یا نیروهای ضد کودتا، از مصادیق قطعی این ماده خواهد بود. ولی در هر حال نظر به اینکه این ماده وضعیت یک کودتای نافرجام یا کودتای در شرف وقوع را مطرح کرده است، تشخیص مؤثر بودن قبول سمت در حکومت کودتا بر عهده دادگاه خواهد بود.

ه. تشکیل یا اداره جمعیت به منظور براندازی

بر اساس ماده ۱۷ قانون مجازات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۲، هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی را طراحی یا بدان اقدام کند و به این منظور جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر داشته باشد، محارب محسوب می‌شود.

با توجه به ماده ۸ قانون مجازات نیروهای مسلح سال ۱۳۷۱ و با عنایت به مشروح مذاکرات مجلس در زمان تصویب ماده ۱۷ جدید، می‌توان گفت: دیدگاه قانونگذار در تصویب قانون اخیر مبنی بر سخت‌گیری و دقت بیشتر در بیان مفهوم براندازی و عناصر لازم جهت تحقق جرم موضوع این ماده است.

توضیح اینکه در ماده ۸ قانون مجازات نیروهای مسلح ۱۳۷۱، صرف تشکیل یا اداره جمعیت به منظور براندازی نظام محاربه محسوب شده بود، ولی در ماده ۱۷ جدید، علاوه بر اینکه قانونگذار مقصود خود را از براندازی «تغییر و نابودی اساس نظام» اعلام کرده و به این طریق خواسته راه را بر تفسیرهای موسع این مفهوم نزد مقامات قضایی و امنیتی سد

کند، در حقیقت تشکیل جمعیت یا اداره آن را در ادامه یک سلسله رفتار مجرمانه که همانا طراحی برنامه براندازی یا اقدام به آن باشد، موجب تحقق عنوان محاربه می‌داند.

ملاحظه دغدغه‌ها و دلواپسیهای نمایندگان مجلس در هنگام بررسی این ماده و حساسیت آنها در مورد کلمات و عبارات مطرح شده، گویای این مطلب است که قانونگذار در صدد جرم‌انگاری رفتارهای تشکیلاتی و سازمان یافته در درون نیروهای مسلح به منظور براندازی اساس نظام است و از اینکه صرف تشکیل یا اداره گروه و جمعیت بدون وجود برنامه براندازی اساس نظام، محاربه تلقی شود نگران است (روزنامه رسمی، شماره ۱۷۱۰۸، ۱۱/۸/۸۲).

بنابراین در مقام مقایسه میان عناصر و اجزای لازم جهت تحقق جرم تشکیل یا اداره جمعیت به منظور براندازی نظام در مقررات سابق و قانون جدید می‌توان گفت: در ماده ۸ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱، صرف تشکیل یا اداره جمعیت به منظور براندازی نظام مستوجب کیفر محاربه است؛ یعنی قانونگذار در صورت احراز منظور براندازی (قصد خاص) صرف تشکیل یا اداره جمعیت را برای تحقق رکن مادی جرم کافی دانسته است. ولی طبق ماده ۱۷ قانون اخیر التصویب، فرضی که تشکیل یا اداره جمعیت متعاقب بر وجود برنامه و طرح براندازی یا اقدام به آن باشد، جرم‌انگاری شده است. به عبارت دیگر، برای تحقق جرم موضوع این ماده لازم است طرح و برنامه براندازی توسط فرد نظامی تهیه و تدوین گردیده و تشکیل دادن گروه یا جمعیت برای اجرای طرح مذکور باشد.

نتیجه منطقی مستفاد از این ماده آن است که اگر فرد نظامی بدون اینکه از قبل برنامه براندازی نظام را طراحی نموده باشد جمعیتی تشکیل دهد، ولو قصد ایشان از تشکیل این جمعیت انجام اقداماتی بر ضد امنیت کشور باشد، این مقدار از عمل او منطبق با جرم موضوع ماده ۱۷ نخواهد بود. با توجه به اظهارات نمایندگان در هنگام تصویب این ماده می‌توان گفت: قصد قانونگذار جرم‌انگاری تشکیل یا اداره یک جمعیت برای یک کودتای نظامی و توسل به زور جهت ساقط کردن اصل نظام جمهوری اسلامی است (همان).

در تحلیل نهایی سیاست کیفری قانونگذار ایران در این موضوع می‌توان گفت: با توجه به مفاد ماده ۱۷ قانون مجازات نیروهای مسلح و ماده ۴۹۸ ق.م.ا. تشکیل گروه یا جمعیت، ولو به قصد بر هم زدن امنیت کشور، واجد وصف محاربه نیست و تنها در فرضی که

تشکیل یا اداره جمعیت متعاقب طرح براندازی یا اقدام به آن باشد، مرتکبان نظامی بر اساس ماده ۱۷ قانون موصوف و غیر نظامیان هم با توجه به مفاد ماده ۱۸۷ ق.م.ا. چنانچه تشکیل و اداره جمعیت متعاقب یا در مسیر طرح براندازی و تهیه سلاح باشد، به عنوان برانداز و محارب تعقیب می‌شوند.

نکته قابل توجه این است که با وجود وسواس قانونگذار در تصویب ماده ۱۷ قانون جدید نیروهای مسلح از جهت تبیین و توصیف معنای براندازی، ایراد اساسی مذکور در قبل یعنی توصیف رفتار مجرمانه مذکور به عنوان محاربه کماکان به قوت خود باقی است؛ زیرا هر چند قانونگذار مجازات و کیفر جرم موضوع این ماده را ملحق به حد محاربه کرده است، به دلیل توقیفی بودن حدود، چنین الحاقهایی محتاج نص و تصریح شارع است که در محل مورد بحث چنین نصی وجود ندارد.

و. شروع به جرم و تبانی برای براندازی

و-۱. شروع به جرم

پیش از این و در بیان معنای طرح‌ریزی براندازی اشاره کردیم که بررسی سیاست کیفری ایران در جرم‌انگاری براندازی نشان می‌دهد رفتار مجرمانه‌ای که تحت عنوان جرم براندازی تعقیب می‌شود، در حد عملیات و اقدامات مقدماتی برای ساقط کردن حکومت مستقر است. از طرف دیگر، جرم براندازی از جرائم مطلق است، یعنی برای تحقق جرم حصول نتایج مد نظر متهم ضرورت ندارد.

در حقوق جزای عمومی و در بحث شروع به جرم حقوقدانان بحث کرده‌اند که آیا در جرائم مطلق هم شروع به جرم قابل تصور است یا شروع به جرم اختصاص به جرائم مقید دارد (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۲۱۶). صرف نظر از این بحث، طبیعت جرم براندازی به گونه‌ای است که تصور شروع به جرم را در آن غیر ممکن می‌سازد، زیرا با توجه به اینکه از نظر قانونگذار نتیجه خاصی جهت تحقق جرم مد نظر نیست، همین که با توجه به قصد براندازی از جانب متهم تلاش برای براندازی صورت بگیرد، جرم تام محقق شده و شخص به عنوان برانداز قابل تعقیب است.

ماده ۱۸۷ ق.م.ا. صرف طرح‌ریزی براندازی و تهیه سلاح و مهمات به عنوان جرم تام

قابل تعقیب است. بنابراین می‌توان گفت شروع به عملیات اجرایی براندازی، جرم تام براندازی است. ضمن اینکه در صورتی که اقدامات و عملیات مرتکب به نتیجه مورد نظر او (براندازی) هم منجر شود، در صورتی که امکان تعقیب وجود داشته باشد باز هم اتهام براندازی قابل طرح است و نتیجه مجرمانه، در نوع اتهام و نوع مجازات مرتکبان تأثیری ندارد. علاوه بر این، در حقوق ایران که طرح براندازی یا تلاش عملی برای ساقط کردن حکومت با توصیف کیفری محاربه همراه است، با توجه به اینکه جرم محاربه هم از جرائم مطلق است (حیب زاده، ۱۳۷۰: ۱۰۰)، شروع به جرم در این جرم مفهومی ندارد و صرف نظر از نتایج حاصل، مرتکبان قابل تعقیب و مجازات خواهند بود.

و - ۲. تبانی

مقصود از تبانی در حقوق کیفری، اتفاق دو یا چند نفر در ارتکاب جرم است. ماده ۴۸ قانون مجازات مصر در این خصوص می‌گوید: «هرگاه دو نفر یا بیشتر به ارتکاب جنحه یا جنایت یا اعمال تجهیز کننده یا تسهیل کننده آن متفق شوند، تبانی کیفری محقق می‌شود» (مجدی هرجه، ۱۹۹۵: ۲۸۵). تبانی برای ارتکاب جرم ممکن است برای هر جرمی پیش بیاید و اختصاص به جرائم علیه امنیت و یا جرم براندازی ندارد و سیاست کیفری کشورها هم در جرم دانستن تبانی متفاوت است. در بعضی کشورها فقط تبانی در ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور جرم دانسته شده است (میر محمد صادقی، ۱۳۸۱: ۲۳۰).

در بعضی نظامهای حقوقی تبانی به صورت کلی جرم دانسته شده و اختصاص به جرائم علیه امنیت ندارد؛ هر چند ممکن است در جرائم علیه امنیت، تبانی با واکنش کیفری شدیدتری همراه باشد. نظام حقوقی انگلستان و مصر در این دسته هستند.

در نظام حقوقی ایران، هر چند در مواد عمومی قانون مجازات اسلامی از تبانی بحثی نشده است، اما ماده ۶۱۱ ق.م.ا. تبانی علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم را تحت شرایطی جرم دانسته و در ماده ۶۱۰ هم به تبانی در ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی یا خارجی اشاره کرده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در حقوق ایران هرگونه تبانی برای ارتکاب جرم، جرم است، ولی شروط تحقق جرم تبانی در جرائم علیه امنیت بسیار سهل‌تر و آسان‌تر است.

در ماده ۶۱۰ ق.م.ا. آمده است:

هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع یا تبانی نمایند که جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسیله ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد، به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.

قانونگذار ایران در این ماده به صورت کلی هرگونه اتفاق برای ارتکاب جرم علیه امنیت یا اتفاق بر تهیه وسایل ارتکاب جرم را جرم‌انگاری نموده و در فصل مربوط به جرائم بر ضد امنیت به صورت جداگانه به جرم تبانی پرداخته است. در تعیین مجازات تبانی، قانونگذار ایران موضوع را به صورت قضیه شرطیه بیان کرده است تا تعیین مجازات «محاربه» برای اعمالی که صرفاً توافق بر ارتکاب جرم است و با تعریف فقهی محاربه تناسبی ندارد، با اشکال شرعی مواجه نباشد! «اجتماع و تبانی» در متن ماده مذکور عطف تفسیری محسوب می‌شود و لزوماً جمع شدن در یک محل و زیر یک سقف برای تحقق تبانی ضروری نیست و آنچه از نظر تحقق رکن مادی تبانی ضرورت دارد، حصول توافق بین دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم براندازی است.

۱۳۱

فقه و حقوق / تحلیل جرم براندازی در حقوق کیفری ایران

بنابراین تا زمانی که بر انجام جرمی علیه امنیت اتفاق نشود، جرم محقق نشده است. لذا چنانچه دو یا چند نفر در محلی اجتماع نمایند و یا از طریق مقالات و نوشته‌هایی راههای براندازی حکومت را مورد بحث و بررسی قرار دهند و گزینه‌های مختلف را طرح نمایند، نمی‌توان گفت تبانی برای براندازی محقق شده است. ولی چنانچه شرکت کنندگان در جلسه اتفاق نظر بر براندازی دارند، اما در صدد بررسی راههای موفقیت خود هستند و در این مرحله دستگیر شوند، مسلماً جرم تبانی برای براندازی حکومت واقع شده است (بهنام: ۴۶). بر این اساس می‌توان گفت از نظر رکن مادی، میان «طرح براندازی» و «محاولة» - در حقوق ایران و مصر - و «تبانی»، مرز بسیار ظریفی وجود دارد. تا زمانی که طرح براندازی یا تلاش برای سرنگونی حکومت در حد تصمیم و توافق دو یا چند نفر است، تحت عنوان تبانی و مشمول ماده ۶۱۱ ق.م.ا. و یا ماده ۹۶ قانون مجازات مصر است و زمانی که به مرحله تهیه سلاح و وسایل لازم جهت انجام طرح و یا توسل به زور و قدرت جهت انجام توافق رسید، تحت عنوان طرح براندازی (ماده ۱۸۷ ق.م.ا.) و یا محاولة قلب یا تغییر حکومت (ماده ۸۷ ق.ع. مصر) قابل رسیدگی است.

محل وقوع جرم تبانی و امکان تعقیب آن موضوع با اهمیتی است؛ به ویژه اینکه معمولاً اپوزیسیون برانداز در خارج از مرزها استقرار دارد. سؤال این است که چنانچه در خارج از کشور جهت براندازی حکومت تبانی شده باشد، در کشور قابل تعقیب است یا خیر. در پاسخ می‌توان گفت با توجه به اینکه تبانی نوعی اقدام علیه حکومت و امنیت داخلی کشور محسوب می‌شود، مشمول ماده ۵ ق.م.ا. و از موارد صلاحیت واقعی دادگاههای ایران است. ضمن اینکه اگر تبانی را جرم مستمر بدانیم، به محض ورود شخص یا اشخاصی که جهت براندازی تبانی کرده‌اند، به عنوان ارتکاب جرم تبانی در ایران هم می‌توان تعقیب کرد.

با توجه به مباحث مطرح شده در این گفتار می‌توان گفت براندازی به عنوان یک جرم علیه امنیت و موجودیت دولت، در دو سطح قابل پیشگیری و تعقیب است. سطح اول مرحله‌ای است که اتفاق و توافق بر براندازی میان دو یا چند نفر صورت گرفته باشد و سطح دوم مرحله‌ای است که اشخاصی که اتفاق و تبانی برای براندازی کرده‌اند، برای عملی کردن توافقات خویش گامهای عملی برداشته‌اند.

گفتار سوم: رکن معنوی

صرف ارتکاب رکن مادی در غالب جرائم باعث تحقق جرم نمی‌شود و احراز قصد و نیت ارتکاب جرم و به عبارت دیگر بررسی وضعیت روانی مرتکب در زمان انجام رکن مادی ضرورت دارد. اجزای رکن روانی جرم براندازی را ذیل عنوان سوء نیت عام و خاص مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. سوء نیت عام

جرم براندازی از جرائم عمدی است. عمد عام مرتکب این جرم در حقوق ایران، اقدام عمدی و آگاهانه به قیام مسلحانه علیه حکومت و یا طرفداری آگاهانه از گروههایی که علیه حکومت اسلامی قیام مسلحانه نموده‌اند (ماده ۱۸۶)، اقدام عمدی و آگاهانه به طرح‌ریزی براندازی حکومت (صدر ماده ۱۸۷)، اقدام آگاهانه و عمدی در تحویل امکانات مالی و اسباب و وسایل و سلاح به کسانی که طرح براندازی دارند (ذیل ماده ۱۸۷)، اقدام عمدی و آگاهانه در قبول نامزدی سمت حساس حکومت کودتا (ماده ۱۸۸) و اقدام عمدی و آگاهانه در طراحی براندازی اساس حکومت و تشکیل جمعیت به این منظور (ماده ۱۷ قانون مجازات نیروهای مسلح) خواهد بود.

ب. سوء نیت خاص

سوء نیت خاص لازم در کلیه رفتارهای مجرمانه‌ای که تحت عنوان براندازی قابل تعقیب هستند، قصد خاص براندازی و سقوط حکومت است. در ماده ۱۸۶ ق.م.ا. اعضا و هواداران گروه یا جمعیت متشکلی که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کرده‌اند و این اعضا و هواداران موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان (براندازی حکومت اسلامی) را می‌دانند و در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند، از نظر قانونگذار قصد براندازی حکومت اسلامی را دارند. بنابراین برای احراز سوء نیت خاص اعضا و هواداران، علم به موضع آن گروه یا جمعیت (قیام عملی و بالفعل در مقابل حکومت) و فعالیت و تلاش مؤثر در پیشبرد اهداف آن گروه (براندازی) ضرورت دارد. در ماده ۱۸۷ ق.م.ا. از تدارک طرح براندازی و تهیه سلاح و مواد منفجره برای این منظور (براندازی حکومت)، قصد خاص براندازی قابل احراز است. بنابراین مرتکب این جرم کسی است که هر دو عمل را عالماً و عامداً مرتکب شده باشد و اگر فرد یا افرادی مسئول تهیه طرح براندازی شده‌اند، ولی از اینکه برای اجرای طرح، سلاح و مهمات تهیه شده بی‌اطلاع‌اند و یا به افرادی مأموریت داده شده که سلاح و مهمات تهیه کنند ولی از طرح براندازی خبری ندارند، احراز قصد خاص جرم طرح براندازی و تهیه سلاح مشکل خواهد بود.

۱۳۳

فقه و حقوق / تحلیل جرم براندازی در حقوق کیفری ایران

قصد خاص ذیل ماده ۱۷۸ ق.م.ا. هم بدین نحو قابل احراز است که در اختیار گذاشتن امکانات مالی مؤثر و یا اسباب و وسایل کار و سلاح، با علم و آگاهی به وجود طرح براندازی و آمادگی طراحان از جهت تهیه سلاح و مهمات، دلیل بر قصد براندازی از طرف مرتکب و همراهی طراحان در عملیات براندازی است. همچنین در ماده ۱۸۸ ق.م.ا. کسی که با علم به وجود طرح کودتا و اینکه قبول نامزدی او در کودتای در شرف وقوع تأثیرگذار است، خود را نامزد مناصب حساس حکومت کودتا می‌کند، قصد خاص در براندازی حکومت دارد و بالاخره در ماده ۱۷ قانون مجازات نیروهای مسلح کسی که برنامه براندازی حکومت را طراحی کرده یا بدان اقدام نموده و به این منظور جمعیتی تشکیل داده است، قصد خاص براندازی حکومت اسلامی دارد.

نتیجه اینکه در تمام مواردی که در حقوق ایران رکن قانونی جرم براندازی را تشکیل می‌دهند، علاوه بر انجام عمدی و آگاهانه رفتارهایی که با موجودیت نظام در تعارض است، احراز قصد خاص براندازی الزامی است و لذا اگر توسل به سلاح و یا تشکیل

جمعیت و گروه در مقابل حکومت، به قصد فشار بر حکومت جهت انجام خواسته‌ای صنفی یا عمومی است و یا قصد ربودن اموال و یا قاچاق عمده و یا مشهور شدن و غیره در بین باشد و قصد خاص براندازی حکومت قابل اثبات نباشد، هر چند رفتار انجام شده جرم خاص دیگری محسوب شود، به عنوان براندازی قابل تعقیب نیست.

در حقوق انگلستان هر چند در قانون سال ۱۳۵۱ میلادی که هنوز بخشهایی از آن در خصوص جرم براندازی قابل استناد است، در عنوان اول به «قصد کشتن پادشاه»^{*} اشاره دارد و به نظر می‌رسد صرف تفکر مجرمانه را به عنوان جرم قابل تعقیب می‌داند، تفسیرهای قضایی و قوانین بعدی این کشور انجام یک «عمل آشکار»^{**} را برای تحقق جرم لازم دانستند که در حقیقت رکن مادی جرم همانا «قصد کشتن پادشاه» و انجام یک عمل آشکار دلیل بر آن محسوب می‌شد و تشخیص اینکه آیا عمل آشکاری که از آن بتوان قصد کشتن پادشاه یا ملکه را احراز کرد به وقوع پیوسته است یا نه، به عهده هیأت منصفه گذاشته می‌شد که در طول زمان برحسب میزان شاه دوستی هیأت منصفه، رفتارهایی که عمل آشکاری برای قتل پادشاه است متفاوت تلقی می‌شد.

به عنوان مثال در دعوای «لرد پرستون»^{***} گفته شد که اجازه دادن کشتی برای حمل اوراق خیانت آمیز برای دشمن، یک عمل آشکار کافی برای اتهام طرح‌ریزی قتل پادشاه است، هرچند که طرح به اتمام نرسد (Card cross and jone, 1998: 410). همچنین کلماتی که در تبانی و یا تحریک به قتل پادشاه گفته شود، عمل آشکار کافی تلقی می‌شود، اما گفتار هرزی که فاقد هرگونه طرح یا فعل باشند، مانند اینکه کسی بگوید پادشاه بهتر از یک چوپان نیست، فعل آشکار محسوب نمی‌شود (Ibid). در خصوص رکن روانی لازم در عنوان دوم خیانت یا براندازی در حقوق انگلیس یعنی «جنگ افروزی علیه سلطنت»^{****} ایجاد یک طغیان یا شورش با هدف عمومی یعنی با انگیزه تغییر سیاستهای دولت یا تغییر قوانین یا آزاد کردن همه زندانیان، به عنوان فعل آشکار دال بر قصد کشتن شاه یا پایان دادن به حیات سیاسی شاه تلقی می‌شد، ولی قصد یک شورش محلی و محدود یا علیه شخص خاص، به مرحله «جنگ علیه پادشاه» نمی‌رسید (Ibid: 828).

* Compassing the king death.

** Overt act.

*** Lord Preston.

**** Levying war against the king.

نتیجه

با توجه به اینکه مشروعیت حکومت جمهوری اسلامی با اتکای به مبانی دینی و شریعت اسلام توجیه شده است، برای جرم‌انگاری براندازی و تنظیم پاسخ کیفری برای مقابله با این بزه از شریعت استمداد شده است. در عین حال با توجه به آموزه‌های دینی و نوع تعامل حاکمان عادل اسلامی و به طور خاص حضرت علی علیه السلام با مخالفان سیاسی حکومت که حاکی از جداسازی مقررات راجع به قیام و شورش علیه حکومت اسلامی از احکام راجع به محاربان و مفسدان فی الارض است، به نظر می‌رسد در مقررات راجع به براندازی در حقوق کیفری فعلی ایران این تفکیک و جداسازی مراعات نشده است.

در جرم‌انگاری براندازی در حقوق کیفری ایران، تکیه اصلی بر نوع رفتار و وسیله مورد استفاده مخالفان جهت براندازی حکومت است. بر این اساس تأکید عمده بر قیام مسلحانه علیه حکومت، طرح‌ریزی براندازی مسلحانه و تهیه سلاح و تجهیزات است. به تعبیر دیگر، با وجود اینکه از نظر قانونگذار ایران براندازی و سرنگونی حکومت به عنوان هدفی نامشروع دانسته شده، همه راهها و وسایلی که ممکن است این هدف را محقق سازد جرم تلقی نشده است؛ بلکه شیوه‌های خاصی همانند قیام مسلحانه و یا اعمال مقدماتی در قیام مسلحانه (طرح براندازی مسلحانه، تشکیل گروه یا جمعیت برای قیام مسلحانه) جرم تلقی شده است.

از سوی دیگر با توجه به طبیعت خاص جرائم علیه امنیت و حکومت خصوصاً جرم بر ضد اساس حکومت، سیاست کیفری ایران برای علاج واقعه قبل از وقوع تدوین شده است. به بیان دیگر، با توجه به اینکه توفیق طرحهای براندازی به معنای جابه‌جایی قدرت بوده و نیروی برانداز به عنوان حاکم جدید هدایت‌کننده ارزشهای جامعه است، تصور تعقیب و رسیدگی به اتهامات کودتاگران همواره در مرحله تشکیل گروه، تهیه سلاح و تجهیزات و تدوین طرحهای براندازی مسلحانه است. براین مبنا در مقررات کیفری ایران، عملیات مقدماتی و حداکثر شروع به جرم به عنوان جرم تام براندازی تعقیب شده و با پاسخ کیفری همراه است.

منابع

۱. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۹، جلد اول.
۲. بشیریه، حسین، دولت عقل (ده گفتار در فلسفه و جامعه شناسی سیاسی)، تهران، نشر علوم نوین، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۳. بهنام، رمسیس، الجرائم المضرة بالمصلحة العمومية، اسکندریه، منشأة المعارف، بی تا.
۴. حبیبزاده، محمد جعفر، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، تهران، مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۵. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه، بیروت، دار العلوم، چاپ دوم، ۱۹۸۸، ج ۴۸.
۶. حسینی، سید علی، بررسی براندازی در قانون مجازات اسلامی، روزنامه همشهری، ۱۳۸۰، شماره ۲۵۶۱.
۷. زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۸. صبحی العطار، احمد، جرائم الاعتداء علی المصلحة العامة، مصر، هیئة المصرية العامة للكتاب، بی تا.
۹. طوسی، ابو جعفر بن الحسن، المبسوط فی فقه الامامية، تصحیح و تعلیق محمد باقر بهبودی، مکتب مرتضویه، بی تا، ج ۷.

۱۰. عالیہ، سمیر، *الوجیز فی شرح الجرائم الواقعة علی امن الدولة*، بیروت، مؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر والتوزیع، چاپ اول، ۱۹۹۹.
۱۱. عودہ، عبدالقادر، *التشريع الجنائي الاسلامی*، بیروت، مؤسسة رسالت، چاپ سیزدهم، ۱۹۹۴، ۱.
۱۲. مجدی ہرجہ، مصطفیٰ، *التعليق علی قانون العقوبات فی ضوء الفقه و القضاء*، مصر، دار المطبوعات الجامعیة، چاپ دوم، ۱۹۹۵.
۱۳. میرزایی، نجفعلی، *فرہنگ اصطلاحات معاصر*، قم، نشر مہر، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۱۴. میر محمد صادقی، حسین، *جرائم علیہ امنیت و آسایش عمومی*، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
15. Card, Cross and Jones, *Criminal Law*, Butter Worth's, London, 1998.

